

استاد: دوستی، ایرج؛ خلیل میرزایی و مجید کفاشی؛ (۱۳۹۹). «تحلیل رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا»، توسعه سازمانی پلیس، دوره ۱۷، شماره ۷۲، صص ۵۷-۸۳.

تحلیل رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۹/۲۷

ایرج دوستی^۲، خلیل میرزایی^۳، مجید کفاشی^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۰/۲۷

چکیده:

زمینه و هدف: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای توسعه سازمان خود، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش فردی و عمومی جامعه، افزون بر سایر رویکردهای پلیسی، در دو دهه اخیر رویکرد جامعه‌محوری را برای رسیدن به اهداف خود تعیین کرده است. شناخت زمینه‌ها و ویژگی‌های این رویکرد و فهم پیامدهای آن در توسعه ناجا، هدف اصلی این پژوهش است. روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از منظر مسیر، تحقیقی کیفی از نوع روش پدیدنگاری است. خبرگان و صاحب‌نظرانی که دارای سابقه خدمت پلیسی، دانش، تجربه و تحصیلات مناسب و کافی بودند، جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش، تعداد ۲۰ نفر از جامعه آماری به‌عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند اطلاعات‌محور، انتخاب شده‌اند. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از طریق ابزار مصاحبه بی‌ساخت و ژرفانگر انجام شده و داده‌ها و اطلاعات با تکنیک تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده‌اند. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد که زمینه‌های گرایش ناجا به سمت رویکرد جامعه‌محوری پلیس دارای ابعاد ۱. اجتماعی، ۲. اقتصادی، ۳. اندیشه‌ای - گفتمانی و ۴. قانونی - مدیریتی؛ و ویژگی‌های رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا دارای سه بخش نظام‌مند و وابسته به هم الف. شناختی، ب. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و پ. عملیاتی است و پیامدهای این رویکرد در عرصه اجتماعی و عرصه سازمانی در توسعه ناجا قابل فهم است.

کلیدواژه‌ها:

رویکرد جامعه‌محوری پلیس، توسعه ناجا، زمینه‌ها، ویژگی‌ها، پیامدها.

۱. این مقاله از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه با موضوع تحلیل جامعه‌محوری پلیس در ناجا از منظر جهانی‌شدن، سال تحصیلی

۱۳۹۹، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران (نویسنده مسئول) mirzaekhalilr@yahoo.com

۴. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران

مقدمه

در قانون تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش فردی و عمومی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قانون در داخل کشور ایران به عنوان اهداف اصلی پلیس مطرح شده است و برای دستیابی به این اهداف، تعداد ۲۶ وظیفه و مأموریت در این قانون به نیروی انتظامی واگذار شده است، به نحوی که این مأموریت‌ها در تمامی امور فردی و اجتماعی جامعه گسترده شده و شهروندان در طول زندگی با خدمات و مأموریت‌های پلیس در ارتباط متقابلی قرار می‌گیرند. با توجه به اهمیت جایگاه پلیس^۵ در توسعه، ناجا همانند سایر سازمان‌ها هماهنگ با اسناد و برنامه‌های راهبردی توسعه کشور، دارای برنامه‌های توسعه است و برای دستیابی به برنامه‌ها و اهداف خود نیز رویکردهایی متناسب با ارزش‌های اصولی کشور برمی‌گزیند. رویکرد جامعه‌محوری نیز یکی از برنامه‌های مهم مدیریت سازمان بوده است، که در طول دو دهه اخیر در ناجا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

امروزه در بیشتر کشورهای جهان، پلیس متناسب با سرعت تحولات جامعه از روش‌های کاملاً علمی، مدرن و نوین برای تحقق نظم و امنیت عمومی و پاسخگویی به مطالبات زندگی اجتماعی استفاده می‌کند، روش‌هایی که بایستی کارآمد و پاسخگوی نیازهای افراد جامعه باشد. از سوی دیگر، به موازات توسعه و پیشرفت در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، برخی از افراد سودجو و فرصت‌طلب، راه‌های نوینی برای دستیابی به اهداف غیرقانونی خود و خدشه به نظم و امنیت اجتماعی می‌یابند (زارع مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴).

آغاز رویکرد پلیس جامعه‌محور در شهر لندن و به سال ۱۹۸۲ برمی‌گردد، زمانی که سِر رابرت پیل (مؤسس نیروی پلیس لندن) اظهار داشت که «پلیس‌ها همان مردم و مردم همان پلیس‌ها هستند» و مأموران از طریق گشت، می‌توانند شهروندان خود را بشناسند و فرصت بهتری برای جمع‌آوری اطلاعات درباره جرم و بی‌نظمی داشته باشند (کنث، ۲۰۱۳). از اواخر دهه هشتاد خورشیدی، دوره جدیدی با عنوان پلیس جامعه‌محور یا انجام امور پلیسی با مشارکت مردم در ایران آغاز شد. امروزه پلیس جامعه‌محور به عنوان راهبرد غالب پلیسی با استفاده از شناسایی و فعال کردن سازوکارهای مشارکت اجتماعی، در تلاش برای برآوردن نیازهای امنیتی جامعه است.

ناجا با رویکرد جدید فرصتی را فراهم کرد تا ضمن انجام وظایف سنتی خود، مشارکت مردمی را نیز در سطح بالایی ممکن سازد و با افزایش میزان تعاملات پلیس و مردم، سازوکار بنیادین تأمین امنیت به

۵. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

جای برخوردهای فیزیکی بر گفت‌وگو استوار شود. در این رویکرد، امنیت، برآیند تعامل و مشارکت همگانی کنشگران اجتماعی و در نتیجه، تولیدی اجتماعی است که با میزان احساس مسئولیت و مشارکت اجتماعی، ارتباط نزدیکی دارد. به این معنا که امنیت مقوله‌ای است که از طریق مردم و برای مردم ایجاد می‌شود. رویکرد جامعه‌محور به صورت عملی و صحیح توسط پلیس ایران اجرا و نهادینه نشده است و بررسی آمار جرایم در ایران از سال ۱۳۸۰ تاکنون نشان می‌دهد که جرایم، کاهش نداشته و مقوله‌هایی مانند سرقت که با احساس امنیت در جامعه ارتباط مستقیم دارد، با رشد چشمگیری مواجه شده است (خلیلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۰). با وجود انجام برخی اقدامات، پلیس ایران توانسته از تمام ظرفیت‌های اجتماعی برای پیشگیری از جرم استفاده کند. مشارکت نکردن شهروندان و نهادها، سراسری بودن برنامه‌ها و متمرکز بودن ساختار پلیس از جمله موانع نهادینه‌شده این رویکرد در پلیس ایران بوده است (خلیلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

هم‌اکنون سهم این رویکرد در توسعه ناجا چندان مشخص نیست. گروهی از افراد و مدیران آن را در عمل موفق و گروهی آن را ناموفق می‌دانند. امروزه رویکرد جامعه‌محوری در صدر اولویت‌های سازمان نیروی انتظامی قرار ندارد، در صورتی که در برخی از کشورها، بیشتر از پنج دهه است که این رویکرد به‌عنوان یکی از اولویت‌های پلیس مدنظر بوده و حتی در معرفی ارکان الگوی پلیس هوشمند، یکی از رکن‌های مهم آن را جامعه‌محوری تعریف کرده‌اند.

تغییرات جوامع و پدیده‌های امنیتی، فرهنگی و اجتماعی موجب تغییر در راهبرد و راه‌کنش سازمان پلیس شده است و همچنین تغییر و تحول اساسی در ابزار قدرت در جوامع، در نظام‌های پلیسی نیز تغییرات اساسی ایجاد کرده است، به‌نحوی که امروزه تأثیر مشروعیت و مقبولیت اقدامات پلیس در گسترش احساس امنیت و استقرار نظم اجتماعی بیشتر از به‌کارگیری شیوه‌های قهری است. این امر نشان‌دهنده آن است که پژوهش در شناسایی رویکردها، راهبردها، شیوه‌ها و ابزارهای تأمین امنیت در قلمرو کار پلیسی تا چه اندازه ضروری است.

در جامعه ما درباره امنیت به‌ویژه امنیت عمومی و امنیت اجتماعی و نقش پلیس و سازوکارهای ایجاد آن در بُعد نظری، کار علمی و مطالعاتی اندکی انجام شده و جای نظریه‌پردازی در این زمینه خالی است؛ به همین دلیل مطالعات نظری درباره چیستی و چرایی رویکردهای امور پلیسی ضرورت دارد. نزدیک به دو دهه از اجرای رویکرد پلیس جامعه‌محور در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد؛ ارائه تحلیل زمینه‌های مؤثر در توسعه این رویکرد، تحلیل ویژگی‌های آن و پیامدهای این پدیده از دیدگاه

خبرگان و صاحب‌نظران ناجا در ایران دارای اهمیت است. با پژوهش درباره رویکرد پلیس جامعه‌محور در ایران، اصلاح ایرادهای احتمالی این الگو، بازنگری و طراحی الگوی مطلوب، این رویکرد در صورت منحصربه‌فرد بودن و موفقیت رویکرد پلیس جامعه‌محور در ایران می‌تواند به‌عنوان الگوی علمی و مناسب برای پلیس کشورهای اسلامی و منطقه مطرح شود.

اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- شناسایی و کشف زمینه‌های گرایش و توجه به رویکرد جامعه‌محور پلیس در ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران؛
- ۲- شناسایی و کشف ویژگی‌های رویکرد جامعه‌محور پلیس در ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران؛
- ۳- تحلیل پیامدهای رویکرد جامعه‌محور پلیس در توسعه سازمان ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران

پرسش اصلی پژوهش:

رویکرد جامعه‌محوری پلیس در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجا چگونه است؟

پرسش‌های فرعی:

- ۱- زمینه‌های گرایش و توجه به رویکرد جامعه‌محور پلیس در ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجا کدام‌اند؟
- ۲- ویژگی‌های رویکرد جامعه‌محور پلیس در ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجا کدام‌اند؟
- ۳- تحلیل پیامدهای رویکرد جامعه‌محور پلیس در توسعه سازمان ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجا چگونه است؟

پیشینه پژوهش

عامری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان ارائه الگوی مطلوب پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد جامعه‌محوری پلیس با استفاده از پیمایش از فرماندهان پلیس تهران، چنین نتیجه‌گیری کرد: مؤلفه‌های ساختاری، رویکردی و فردی و عوامل درون و برون سازمانی در پیشگیری انتظامی جامعه‌محور مؤثر است. بین عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی با رویکرد جامعه‌محور در پیشگیری از جرم، رابطه معناداری وجود دارد.

خلیلی اردکانی و همکاران (۱۳۹۴) در یک پژوهش تطبیقی به مقایسه نحوه اجرای رویکرد پلیس جامعه‌محور ایران با آمریکا به‌ویژه شهرهای بزرگ آن مانند نیویورک، شیکاگو، لس‌آنجلس و واشنگتن پرداخته‌اند. در این پژوهش سه مؤلفه تمرکززدایی در ساختار پلیس، استفاده از راهبرد حل مسئله و مشارکت شهروندان در برنامه‌های پلیس، به‌عنوان عوامل مؤثر بر نهادینه‌شدن رویکرد پلیس جامعه‌محور تعیین شده است. یافته‌ها نشان داد پلیس آمریکا هر سه مؤلفه ذکر شده در پژوهش را در رویکرد جامعه‌محور، عملیاتی و اجرا کرده است، اما برای پلیس ایران با توجه به کمبود منابع و امکانات، امکان اجرای کامل طرح میسر نبوده است و رویکرد جامعه‌محور در پلیس ایران به صورت کامل نهادینه نشده است و با وجود انجام برخی اقدامات، پلیس ایران نتوانسته از تمام ظرفیت‌های اجتماعی برای پیشگیری از جرم استفاده کند.

قصری و همکاران (۱۳۹۲) به تبیین نظام مناسب پلیس جامعه‌محور پیشگیری از جرم در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران پرداختند؛ این پژوهش با روش مطالعات اسنادی و تاریخی، مطالعات تطبیقی و اخذ نظر خبرگان برای دستیابی به ویژگی‌های الگوی مطلوب انجام شده است، که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در نظام پیشنهادی، مؤلفه‌های ساختاری، رویکردی، فردی و آموزشی پلیس فعلی با تغییر نگرش به پلیس جامعه‌محور پیشگیری از جرم، ارتقا می‌یابند. همچنین در نظام پیشنهادی، گستره محیط امنیتی در ارتباط دوسویه با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده و به‌ترتیب با درجه اهمیت ۰/۳، ۰/۲۷، ۰/۲۳ و ۰/۲۰ قرار دارند.

پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین انتظارات حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری و تعیین شاخص‌های آن صورت گرفته است و جامعه آماری آن مدیران سطح عالی ناجا بوده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری پلیس ارتباط معناداری وجود دارد و بر آن نیز تأثیرگذار است. همچنین نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های ارتقای احساس امنیت عمومی، اجرای یکسان قوانین در جامعه و مدیریت درست بحران‌های اجتماعی، در سطح خیلی‌زیاد ارزیابی شده و سطح معناداری این شاخص‌ها و سایر شاخص‌های مربوط به انتظارات حاکمیت از پلیس نیز تأیید شده است (قهرمانی، ۱۳۹۲).

رستگاری و رضایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای «چالش‌های فراروی آینده پلیس ایران متأثر از جهانی‌شدن از دیدگاه خبرگان» را در ابعاد و عناوین ۱. سیاسی و تقنینی، ۲. فرهنگی و مردم (انسانی)، ۳. راهبرد و ساختار و ۴. خدمات و کالا (اقتصادی) شناسایی و تقسیم‌بندی کرده‌اند و پیشنهاد داده‌اند که در دانشگاه علوم انتظامی امین به مباحث خلاقیت و نوآوری پرداخته شود و افسران پلیس باید به‌عنوان مدیران آینده ناجا، آمادگی لازم برای رویارویی با مسائل جدید را داشته باشند.

قهرمانی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی شناخت عوامل مؤثر بر رویکرد مدیریت پلیس جامعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران به‌منظور طراحی الگوی بومی این رویکرد پرداخته است. در این پژوهش عوامل و متغیرهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی نظیر منابع انسانی، ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات، حرفه‌ای‌بودن پلیس، سبک رهبری، توانمندی‌های رهبری، فرهنگ سازمانی، انتظارات مردم از پلیس، انتظارات حاکمیت از پلیس، مشارکت اجتماعی، نظارت همگانی، مسئله‌محوری پلیس، اعتماد عمومی، قانون‌محوری پلیس و اقتدار پلیس به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر رویکرد پلیس جامعه‌محور در ایران تعیین شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تمام عوامل و متغیرهای پیش‌بینی‌شده در پژوهش با رویکرد پلیس جامعه‌محور ارتباط معناداری را نشان می‌دهد و بر آن نیز تأثیرگذار است.

اسکوگان^۷ (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر پلیس جامعه‌محور بر ساکنان محله» که در شهر شیکاگو انجام شده بود، به این نتیجه رسید که اجرای این طرح بسیار مفید بوده است و در طول ده سال ارزیابی انجام‌شده، درصد ساکنانی که از بیرون‌رفتن در شب می‌ترسیدند از ۴۰ درصد به ۲۵ درصد بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ کاهش یافته و همچنین در طول آن دوره، اختلاف ترس از جرم بین زنان و مردان و بین افراد مسن‌تر و جوان‌تر به‌طور اساسی کمتر شده است.

آدامز^۸ و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه پنج شهر کوچک در کالیفرنای شمالی دریافتند: شهروندانی که آگاهی بیشتری از اجرای برنامه‌های پلیس جامعه‌محور داشتند، در مقایسه با آنهایی که آگاهی کمتری از این برنامه‌ها داشتند، نگرش مثبتی به فعالیت‌های پلیس داشته، در بیشتر برنامه‌های محافظت از خود شرکت کرده و ترس کمتری از جرم و نیز احساس یکپارچگی بیشتری با اجتماع داشتند.

شیدر^۹ و دیگران (۲۰۰۳) در پژوهش خود که با استفاده از داده‌های پیمایشی دوازده شهر آمریکایی درباره تأثیر تصور شهروندان از پلیس جامعه‌محور بر کاهش جرم انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که تعامل بین ساکنان جامعه می‌تواند از طریق افزایش آگاهی ساکنان با روش‌های خاص پلیس و گسترش روابط فردی، رضایتمندی از پلیس را افزایش دهد. یافته‌های این پژوهش نشان داد پلیس جامعه‌محور به بهبود وضعیت زندگی جامعه منجر شده و با افزایش رضایتمندی ساکنان محله‌ها از کیفیت زندگی، آنها ترس و نگرانی کمتری از ناامنی خواهند داشت.

7. Skogan

8. Adams

9. Scheider

چارچوب نظری

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) سازمانی رسمی و مسلح است که برای برقراری نظم و امنیت جامعه، تأمین آسایش فردی و اجتماعی و ارائه خدمات انتظامی در جغرافیای کشور ایران که چارچوب و وظایف آن را قانون تعیین می‌کند، تعریف می‌شود. این سازمان دارای ساختار مشخص در کشور است و تحت فرماندهی مستقیم فرماندهی معظم کل قواست و با توجه به نوع مأموریت، وابستگی نزدیکی با وزارت کشور دارد.

زارع مهدوی و همکاران (۱۳۹۴) الگوی رویکرد پلیسی در نظام‌های سیاسی در جهان را به دو دسته تقسیم کرده‌اند که یکی از این رویکردها، جامعه‌محوری و دیگری رویکرد سیاسی است. این دو رویکرد براساس شاخص‌هایی مانند منبع اختیارات، وظایف، رابطه با قدرت، ابزار نظارت، نوع فعالیت و نتیجه فرایند پلیسی، به شرح جدول ۱ تشریح شده‌اند.

جدول ۱. الگوهای کار پلیس در نظام‌های سیاسی (زارع مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۲)

رویکرد پلیسی	رویکرد سیاسی	رویکرد جامعه‌محوری
اختیارات	سیاسی	قانونی
وظایف	کنترل و سلطه بر جامعه	ارائه گسترده خدمات
رابطه قدرت	عمودی، قهرآمیز و از بالا به پایین	پایین به بالا
ابزار نظارت	سیاسی - اداری	قانونی - اداری و مردمی
نوع فعالیت	شهروندان تبعی (پیرومنشانه)	مشارکتی
نتیجه	رضایت حکومت	افزایش کیفیت زندگی اجتماعی و رضایت شهروندان

قصری و همکاران (۱۳۹۲) چهار نوع رویکرد برای پلیس مبتنی بر روش‌های انجام مأموریت‌های امنیتی به این شرح مطرح کرده‌اند:

- ۱- رویکرد سیاسی: این رویکرد با ماهیت اقتدارگرایانه بر محور حمایت از منافع و امنیت طبقه حاکم و مراقبت از حکومت قرار دارد. دوران وجودی این نوع پلیس در اوایل قرن هجدهم بوده است. امروزه پلیس با چنین مأموریتی، برای مردم کشورها پذیرفتنی نیست.
- ۲- رویکرد حرفه‌ای: در این رویکرد، پلیس با توجه به زمینه‌های تکوین و پیدایش جرایم و بزه‌های جدید و تخصص‌های موردنیاز شکل می‌گیرد. تقسیم‌بندی‌های متعددی در این زمینه وجود دارد؛

یک نوع تقسیم‌بندی کلی شامل پلیس اداری و قضایی است. پلیس اداری تلاش می‌کند با اتخاذ تدابیر و اقدامات تأمینی از وقوع جرایم و تخلفات جلوگیری کند، در صورتی که پلیس قضایی عهده‌دار کشف و تعقیب جرایم و تسلیم مجرمان به مرجع قضایی صلاحیت‌دار است.

۳- رویکرد دموکراتیک: اگر چه هیچ تعریف ساده یا کاملاً پذیرفته‌شده‌ای از پلیس دموکراتیک وجود ندارد، با وجود این همه نظام‌های پلیسی دموکراتیک در این آرمان سهیم هستند که اختیارات پلیس باید بنا بر حکم قانون، اعمال شوند و قدرت دولت باید به شیوه‌ای خوشتن‌دارانه و متناسب با مسئله به کار برده شود. برخی از شیوه‌ها مانند شکنجه و اعدام خارج از تشریفات و مقررات، آدم‌ربایی و آزاررساندن به خانواده فرد مظنون، در هر شرایطی ممنوع هستند و روش‌های دیگر نظیر استفاده از زور، محرومیت از آزادی یا بازپرسی، باید با اجرای مناسب مراحل قانونی دادرسی انجام شوند.

۴- رویکرد جامعه‌محور: پدیده‌های اجتماعی روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شوند و نوع انتظارات مردم از پلیس در دو محور اساسی، یعنی نظم و تأمین امنیت جامعه نیز وارد مرحله جدیدی شده است، به‌گونه‌ای که پلیس دیگر نمی‌تواند با راهبردهای سنتی و واکنش سرکوب‌کننده به چنین انتظاراتی، پاسخ به‌موقع و مثبت دهد. بنابراین پلیس چنانچه بخواهد در این میان به موفقیتی دست یابد، باید گروه‌های مختلف جامعه را براساس سازوکارهای مشخص با خود همراه کند (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۸). رویکرد پلیس جامعه‌محور، رویکردی است که براساس آن پلیس و جامعه در کنش و واکنش متقابل و سازنده در راستای پیشگیری از وقوع جرایم یا کاهش آماج جرم، اقدام می‌کند که حاصل این رویکرد، ایجاد و استقرار نظم، ایمنی و احساس امنیت در جوامع انسانی است که مطلوب و مقصود هر دو طرف نیز هست (قصری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸). رویکرد پلیس جامعه‌محور یک واقعیت است که بینش مشارکت ضابطان قانون و مردم جامعه را در شناسایی مشکلات، ریشه‌یابی آنان و پیدا کردن راه‌حلی که مشکل را به‌طور دائم از بین برده یا کاهش دهد، تقویت و پیگیری می‌کند.

رویکرد پلیس جامعه‌محور در اوایل دهه ۱۹۸۰ به تدریج شتاب گرفت تا مشارکت‌ها بین پلیس و کسانی که به آنها خدمت می‌کردند، افزایش یابد. ظهور پلیس جامعه‌محور به معنای بازگشت به نسخه جدید «پاسبان محله» و استفاده پلیس از اطلاعات جامعه- از محل تکرار مسئله و بزهرکاری که مدام مرتکب جرم می‌شوند- بود. جامعه به تدریج دریافت که به روش‌های جدید پلیسی و مقیاس‌های سنجش اثرگذاری جدیدی نیاز است. اکنون همگان بر این باورند که پلیس‌ها نمی‌توانند یک‌جانبه به جرایم، مواد مخدر و مسائل روزافزون گروه‌های تبهکار که جامعه را به ستوه آورده و منابع منطقه‌ای، ایالتی و فدرال را تهی می‌کنند، حمله کنند (پیک، ۱۳۹۸: ۱۹).

رویکرد جامعه‌محوری پلیس به ارتباط و حمایت دوسویه سازمان پلیس و جامعه دارد. از یک‌سو سازمان پلیس در تعامل با جامعه، دیدگاه‌های مختلف مردم درباره نیازهای واقعی خود در حوزه نظم و امنیت را می‌سنجد و از نتایج این سنجش در برنامه‌ریزی و ارائه خدمات انتظامی بهتر به مردم استفاده می‌کند. همچنین با مردم بودن و جلب اعتماد عمومی نسبت به سازمان پلیس، موجب همکاری و مشارکت عمومی نسبت به سازمان پلیس می‌شود. آنها دیدگاه‌های مختلف خود را درباره نیازهای واقعی حوزه نظم و امنیت به این سازمان منعکس کرده و این سازمان در تحقق اهداف خدمتگزاری به مردم یاری می‌رساند (وروایی، ۱۳۸۴: ۲۰).

پلیس جامعه‌محور یک فرایند بلندمدت است که شامل تغییر بنیادین سازمانی و دگرگونی فرهنگی درون سازمان می‌شود. پلیس جامعه‌محور صرفاً یک بخش الحاقی به مؤسسه پلیس یا یکی از قسمت‌های آن نیست؛ این رویکرد، اجرای گشت پیاده، گشت‌های دوچرخه یا ایجاد ایستگاه‌های پلیس در محله نیز نیست. پلیس جامعه‌محور نقش مأمور در خیابان را بازتعریف کرده و آن را از مبارزه با جرم به حل‌کننده مسئله جرم تغییر می‌دهد و دربرگیرنده ساختار سازمانی تمرکززد، تغییرات در نحوه استخدام، آموزش و اعطاء جوایز و نظام‌های ارزیابی و ترفیعات کارکنان است. بنابراین، پلیس جامعه‌محور با آموزش‌های مرتبط در دانشگاه آغاز می‌شود که در آن تأکید می‌شود: مأموران پلیس بایستی به‌دنبال راه‌حل پیش‌واکنشی و خلاق برای مسائل جرم و بی‌نظمی باشند (بیک، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش از لحاظ هدف، بنیادی است. پژوهش بنیادی به ساخت الگوهای نظری برای تبیین پدیده‌ها می‌پردازد و به جنبه‌های کاربردی یا عملی پژوهش در امور واقعی کمتر توجه دارد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۶۰). این پژوهش از نظر مسیر، تحقیقی کیفی از نوع روش پدیده‌نگاری^{۱۰} است. پدیده‌نگاری، یک روش پژوهش کیفی است که با شناسایی و تحلیل اندیشه‌ها و عقیده‌های مردم درباره یک پدیده ارتباط دارد و تلاش می‌کند شیوه‌های مختلف اندیشه، تجربه و تفسیر یک پدیده توسط افراد گوناگون را شناسایی و بازنمود کند، از این‌رو با دیدگاه‌ها و ادراک گوناگون درباره یک پدیده ارتباط دارد (میرزایی، ۱۳۹۵: ۳۱۲). با روش پژوهش پدیده‌نگاری، می‌توان موضوع‌های بسیاری نظیر رویکردها به یک وضعیت یا رفتار، فهم یک پدیده خاص در محیط خاص یا حتی فهم مسائل عمومی موجود در جامعه را بررسی کرد (بوودن^{۱۱}، ۲۰۰۰).

جامعه‌آماری در این پژوهش، خبرگان و صاحب‌نظران پلیس در ایران است که ویژگی‌هایی مانند تجربه، سابقه خدمت و دانش کافی درباره موضوع داشته باشند.

10. Phenomenography

11. Bowden, Johan A.

خبرگان و صاحب‌نظرانی که دارای سابقه خدمت پلیسی، دانش، تجربه و تحصیلات مناسب و کافی بودند، جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. برای پژوهش پدیده‌نگاری، نمونه‌گیری تصادفی یا امکان‌پذیر نیست یا عقلانی نیست؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد بایستی نمونه از میان افرادی انتخاب شود که آمادگی بروز اندیشه، تجربه و ادراک خود را داشته باشند (میرزایی، ۱۳۹۵: ۳۱۸). پس نمونه‌گیری به صورت هدفمند دردسترس، انجام شد. به اعتقاد بودن (۲۰۰۰)، مصاحبه در پدیده‌نگاری از ۲۰ تا ۳۰ نفر کفایت می‌کند. بنابراین در این پژوهش تعداد ۲۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران ناجا با روش نمونه‌گیری هدفمند اطلاعات محور، انتخاب شدند. پدیده‌نگاری، پژوهشی مصاحبه‌محور^{۱۲} است (بودن، ۲۰۰۰). جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش از طریق مصاحبه ژرفانگر و بی‌ساخت انجام شده است.

اطلاعات و داده‌ها با تکنیک تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده است. مراحل تحلیل محتوا در این پژوهش به این شرح انجام شد: ۱. مصاحبه‌ها پیاده‌سازی، خوانش چندباره و تقطیع شدند، ۲. شناسه‌گذاری باز انجام شد، ۳. شناسه‌گذاری محوری؛ براساس شباهت و تفاوت شناسه‌ها و جانمایی شناسه‌های مشابه در یک محور انجام شد، ۴. شناسه‌گذاری گزینشی؛ جانمایی محورها در یک گروه و شکل‌گیری مقوله‌ها در این مرحله انجام شد، ۵. مقوله‌بندی و برساخت مفاهیم؛ در این مرحله با غلبه بر پراکندگی داده‌ها و رسیدن به برساخته‌هایی کلی‌تر در سطوح بالاتر و انتزاعی‌تر، مفاهیم بازنمایی شده‌اند و ۶. تدوین الگوی مفهومی؛ نشان‌دادن مفاهیم و ارتباط متقابل و نظام‌مند آنها با ی‌شناسه‌یگر که به شکل‌گیری نظریه منجر می‌شود.

برای معتبر کردن داده‌ها و اطلاعات مصاحبه از تکنیک بازخورد استفاده شده است و خروجی مصاحبه و برداشت‌ها از محتوای مصاحبه در روز مصاحبه و در مصاحبه‌های بعدی با مصاحبه‌شونده اعلام شده و نواقص یا برداشت‌های اشتباه برطرف و تأیید نهایی آن گرفته شده است و برای معتبر کردن مقوله‌ها و مفاهیم شکل گرفته در راستای توصیف شیوه‌های تجربه و ادراک جامعه‌محوری پلیس در ناجا (الگوی مفهومی)، از روش روایی محتوایی^{۱۳} لاوشه^{۱۴} استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه آماری (مصاحبه‌شوندگان): ترکیب پاسخگویان از منظر درجه سازمانی، ۱۵ درصد دارای درجه سرتیپ‌دوم از طیف امراء، ۶۰ درصد سرهنگ و ۲۰ درصد سرهنگ‌دوم در طیف افسرانشد و ۵ درصد نیز بدون درجه نظامی بوده‌اند. ۶۰ درصد پاسخگویان دارای

12. Interview Centered

13. Content Validity

14. Lawshe

مدرک تحصیلی دکتری و ۴۰ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد بودند. ۳۰ درصد در رشته‌های علوم اجتماعی، ۲۵ درصد رشته‌های علوم انتظامی و دافوس، ۱۰ درصد رشته‌های علوم دفاعی و امنیتی، ۱۰ درصد رشته‌های مدیریت، ۱۰ درصد رشته علوم سیاسی و ۵ درصد در رشته روان‌شناسی تحصیل کرده‌اند. از منظر جایگاه سازمانی، ۵۵ درصد در جایگاه سرتیپی و ۴۵ درصد جایگاه سازمانی سرتیپ دومی داشته‌اند. از نظر سنوات خدمت، ۳۰ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۲۰ درصد بین ۱۶ تا ۲۰ سال، ۱۵ درصد بالای ۳۶ سال، ۱۵ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ سال، ۱۰ درصد بین ۳۱ تا ۳۵ سال و ۱۰ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه خدمت داشته‌اند. ۵۰ درصد عضو هیئت علمی دانشگاه و مؤسسات علمی کشور هستند و ۵۰ درصد نیز عضو هیئت علمی نیستند. ۴۰ درصد در گروه شغلی مدیریتی، ۳۰ درصد فرماندهی، ۲۰ درصد پژوهشی و ۱۰ درصد در حیطه آموزشی فعالیت داشته‌اند.

نتایج تحلیل محتوا، پاسخ به پرسش‌ها و نتیجه‌گیری

پرسش اول: زمینه‌های گرایش و توجه به رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجا کدام‌اند؟

در تحلیل محتوای داده‌ها و اطلاعات، ۲۲ درصد از مجموع شناسه‌های مصاحبه، به تعداد ۷۸ شناسه به پرسش اول اختصاص یافته است. با تحلیل محتوا مشخص شد که زمینه‌های گرایش و توجه پلیس ایران به رویکرد پلیس جامعه‌محور در ۴ مؤلفه اصلی و تعداد ۱۱ زیرمؤلفه به شرح جدول ۲ دسته‌بندی شده است.

جدول ۲. زمینه‌های گرایش به رویکرد پلیس جامعه‌محور در ناجا

مفهوم	مؤلفه	زیرمؤلفه
زمینه‌های گرایش به رویکرد پلیس جامعه‌محور	اجتماعی	تغییرات اجتماعی
		نیاز اجتماعی
		ویژگی اجتماعی پلیس
	اقتصادی	درون‌سازمانی
		برون‌سازمانی
	اندیشه‌ای - گفتمانی	انقلاب اسلامی و رهبری
		تاریخی
		جهانی
		علمی
	مدیریتی - قانونی	قانونی
		فرماندهان و مدیران

بحث و تحلیل نتایج پرسش اول: «زمینه» عبارت است از بسترها و مبناهایی که امکان پیدایش یا پذیرش پدیده و موضوع را فراهم می‌کنند. در این تعریف، پدیده یا موضوع «رویکرد جامعه‌محوری پلیس» است که مقرر شده این موضوع به‌عنوان یک رویکرد یا پدیده در سطح ناجا پذیرش شود. بنابراین پرسش اول به بررسی این بسترها و مبناهایی پرداخته است که به موجب آنها، رویکرد جامعه‌محوری در پلیس ایران پذیرفته شده است. با تحلیل محتوای اطلاعات و داده‌ها، زمینه‌های توجه و گرایش ناجا به رویکرد جامعه‌محوری پلیس به شرح ذیل هستند:

۱- **زمینه اجتماعی:** این زمینه مشتمل بر مؤلفه‌های زیر است: ۱. تغییرات اجتماعی، مانند پیچیدگی

شرایط نظم و امنیت اجتماعی، نگرش منفی مردم به پلیس اطلاعات‌محور، شرایط اجتماعی کشور، تناسب این رویکرد با ذائقه مردم، تغییر و تحولات اجتماعی دهه ۷۰، پیچیده‌شدن مسائل اجتماعی، توسعه ظرفیت‌های اجتماعی، توسعه فرهنگی جامعه و ارتقاء سطح تحصیلات جامعه؛ ۲. نیازهای اجتماعی، مانند اشتراک‌گذاری نظم و امنیت، مراجعه مردم به کلانتری، کاهش هزینه منازعات و پرونده‌ها با راه کارهای حل‌وفصل اجتماعی نه قضایی و دریافت آموزش‌های پیشگیری و ۳. ویژگی اجتماعی پلیس، مانند نهاد نظامی محض نبودن پلیس، نهاد امنیتی اجتماعی، نهادی ذاتاً جامعه‌محور، مردم‌مدار بودن پلیس، علاقمندی ناجا برای حفظ تعامل، سطح بالای تماس پلیس با مردم، نیازمندی پلیس به کمک مردم، گسترش در همه نقاط کشور، ناتوانی در انجام مأموریت بدون مشارکت مردم، رابطه تنگاتنگ با مردم، متهم و مجرم.

۲- **زمینه اقتصادی:** این زمینه مشتمل بر مؤلفه‌های زیر است: ۱. اقتصاد درون سازمان، مانند

کافی‌نبودن منابع در انجام مأموریت، توجه به برون‌سپاری مأموریت‌های قابل برون‌سپاری و ناگزیری سازمان به هزینه‌کرد زیاد و ۲) اقتصاد برون سازمانی، مانند هزینه پایین دولت برای پلیس و امنیت، تأثیر وضعیت اقتصادی نامناسب در عملکرد پلیس، چالش اقتصادی مردم، کج کارکردی نظام اقتصادی کشور و تأثیر مسائل اقتصادی بر ارتکاب جرم [تعطیلی کارخانه و تورم بالا].

۳- **زمینه اندیشه‌ای - گفتمانی:** این زمینه شامل مؤلفه‌های زیر است: ۱. انقلاب اسلامی و رهبری،

مانند اندیشه بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، اندیشه رهبری انقلاب اسلامی ایران، هوشمندی رهبری انقلاب، تأکید رهبری انقلاب درباره جنبش فکری، تدابیر رهبری انقلاب [کلانتری پناهگاه مردم]، پلیس در تراز انقلاب، پلیس برای مردم، توجه به مردم در مبانی اسلام، نگرش امربه‌معروف

و نهی‌ازمنکر، نگرش دینی فرماندهان و کارکنان، تأثیر اندیشه‌ها و تدابیر رهبری، تعهد اخلاقی پلیس به همه اقشار جامعه [پوشاندن لباس به تن کارتون‌خواب]، تأثیر انقلاب اسلامی، انطباق جامعه‌محوری با ارزش‌های اسلامی، تأثیر اندیشه‌های اسلامی؛ ۲. زمینه علمی، مانند مطالعات دانشگاه علوم انتظامی امین، آشناسدن فرماندهان ناجا با ادبیات نظری جامعه‌محوری، تأثیر سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، شگفتی اولیه مراکز علمی از ورود ناجا به این رویکرد و همکاری ثانویه با پلیس، تأثیر پیشرفت‌های علمی کشور، تدوین کتاب و مقالات علمی، ترجمه کتاب و مقالات علمی، استفاده از مطالعات سایر کشورها، تحقیقات استادان دانشگاه علوم انتظامی امین، انتشار فصلنامه‌های علمی پلیس، مطالعه و پژوهش‌های مدیران ناجا، تأثیر مراکز تحقیقاتی ناجا؛ ۳. زمینه تاریخی، مانند تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، مشارکت اجتماعی در حل مسائل جامعه در قدیم [کمک به مسافر در راه مانده]، سابقه جامعه‌محوری در شهربانی، گشت و تعامل مشترک مردم با کمیته انقلاب، حافظه تاریخی مردم در مورد نظامی‌ها، روند شکل‌گیری حاکمیت مردمی، انقلاب پاسخ به مطالبات مردم، شکل‌گیری مشارکت انتظامی اول انقلاب، بستر جامعه‌محوری در ناجا، تأثیر تاریخی پیروزی انقلاب بر جامعه‌محوری و ۴. زمینه جهانی، مانند شکل‌گرفتن این الگو در کشورهای توسعه‌یافته، کپی‌برداری سایر کشورها از این رویکرد و تأثیر بر مطالعات تطبیقی پلیس سایر کشورها.

۴- زمینه مدیریتی - قانونی: این زمینه مشتمل بر مؤلفه‌های زیر است: ۱. قانونی، مانند قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، رعایت حقوق شهروندی و برنامه‌های توسعه کشور و ۲. فرماندهان و مدیران، مانند تأثیرگذاری فرمانده ناجا [سردار قالیباف و سردار احمدی‌مقدم]، تأثیرگذاری فرماندهان ارشد ناجا، بسترسازی جذابیت شغل پلیس برای دانش‌آموزان و نوجوانان، توجه به مشارکت‌محور کردن سازمان و ایجاد ظرفیت پلیس در حل‌وفصل اختلافات مردم.

پرسش دوم: ویژگی‌های رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجا کدام‌اند؟

در تحلیل محتوای داده‌ها و اطلاعات، ۵۳ درصد از مجموع شناسه‌ها به تعداد ۲۰۶ شناسه به پرسش دوم اختصاص یافته است. با مقوله‌بندی شناسه‌های مربوط مشخص شد که ویژگی‌های رویکرد پلیس جامعه‌محور در ناجا به ۳ مؤلفه اصلی و تعداد ۶ زیرمؤلفه به شرح جدول ۳ دسته‌بندی شده است.

جدول ۳. ویژگی‌های رویکرد پلیس جامعه‌محور در ناجا

مفهوم	مؤلفه	زیرمؤلفه
ویژگی‌های رویکرد پلیس جامعه‌محور	شناختی	نهادی
		اجتماعی
	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	نهادی
		اجتماعی
	عملیاتی	نهادی
		اجتماعی

بحث و تحلیل نتایج پرسش دوم: «ویژگی» عبارت است از شاخص‌ها و نشانه‌هایی که تفاوت یک پدیده یا موضوع را با چیزهای دیگر نمایان می‌کند یا با چیزهایی که به نظر می‌رسد مشابهتی دارند، متمایز می‌کند یا به عبارتی، نشانه یا نشانه‌هایی است که چیزی را از چیزهای دیگر متمایز کرده و باعث شناخت آن پدیده یا موضوع می‌شوند. بنابراین پرسش دوم این پژوهش به بررسی نشانه‌ها و شاخص‌هایی پرداخته است که رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا را با سایر رویکردهای پلیسی متمایز کرده است. با تحلیل محتوای اطلاعات و داده‌ها، ویژگی رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا مشخص شده است و این ویژگی‌ها به شرح ذیل هستند:

۱- ویژگی شناختی:

این ویژگی کمک می‌کند که سازمان و سیاست‌گذاران پلیس، درک درستی از مسائل اجتماعی داشته باشند و در حوزه مسئله‌یابی موضوعات امنیتی انتظامی اثرگذار است. این ویژگی به پیش‌بینی مسائل اجتماعی و انتظامی برمی‌گردد و شامل مؤلفه‌های زیر است: ۱) اجتماعی، مانند انتقال سریع گزارش مردمی، دریافت سریع و ساده انتقادات و پیشنهادهای مردم، توجه به نیازها و مطالبات جامعه، توجه به اولویت‌های نظم و امنیت از نگاه مردم، جلب اعتماد مردم برای ارائه نظر، پیمایش و شناخت نظر و رفتار مردم، برآورد اجتماعی [دریافت اولویت از نگاه مردم]، آموزش همگانی، توجه به زمینه جرم (خاک جرم)، انتقال توجه به جرم نه مجرم، انتقال پیشگیری از انتظامی به اجتماعی، دنبال کردن زمینه‌های اتفاق و جرم، توجه به مسئله‌محوری در این رویکرد، شناخت پیش از اقدام انتظامی، تعیین سهم سایر نهادها از ارتکاب جرم، مطالعه زمینه جرم، علت‌یابی مسئله، ظرفیت بالای آموزش همگانی پلیس، شناخت ایمنی خودرو، اطلاع

از موارد مشکوک، توجه به مطالبات صنفی و مردمی، تقدم پیشگیری اجتماعی بر انتظامی، ارسال و اعلام اخبار جرم به پلیس، شنیدن دیدگاه و نظرات مردم در امکان مذهبی و عمومی و ۲) نهادی، مانند نقد رفتار پلیس، ارزیابی عملکرد مأموران از سامانه ۱۹۷، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و اجرا، توجه به جنبه‌ها و شاخص‌های علم و پژوهش، مرکز افکارسنجی، مرکز رصد فضای مجازی، محدود به زمان نبودن، فعالیت‌های پژوهشی، نگرش سیستمی به روابط پلیس و جامعه و تقاضای تأمین امنیت از سمت جامعه.

۲- ویژگی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی:

این ویژگی در سطح سازمان به‌منظور طرح‌ریزی برنامه‌های توسعه و مدیریت منابع و امکانات برای پیشبرد اهداف و فعالیت‌ها مطرح است. این ویژگی نمایانگر طرح‌ها و فرایندهای اجرای رویکرد جامعه‌محوری است که در آن تصمیم‌سازی مهمترین رکن را به خود اختصاص می‌دهد و شامل مؤلفه‌های زیر است:

۱) اجتماعی، مانند مدیریت ساخت کلیپ و تیزر آموزشی، برنامه مشارکت سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد و افراد تأثیرگذار، تدوین شیوه‌نامه کاربران آینده ترافیکی (آینده‌نگری)، تدوین طرح همیاران پلیس، تدوین طرح پلیس‌یاران نوجوان، تدوین طرح پلیس‌یاران جوان، تدوین طرح پلیس مدرسه، تدوین طرح فرهنگ‌یاران مدرسه (معلمان)، برنامه‌ریزی آموزش رانندگان و بازاریان، برنامه آموزش شیوه همکاری با پلیس، تدوین الزامات استفاده از ظرفیت جامعه در صحنه نظم و امنیت، تدوین برنامه حضور پلیس در محلات، برنامه برای آموزش والدین، توجه به مشارکت مردم در سیاستگذاری پلیس، برنامه مشارکت مردم در تعیین اهداف پلیس، برنامه آگاه‌سازی ذی‌نفعان خدمات انتظامی، طرح توانمندسازی انتظامی مردم و نهادها، برنامه تزریق آگاهی پلیسی به جامعه و افراد، برنامه آموزش و اصلاح زمینه‌های جرم، برنامه آموزش همه افراد، برنامه آموزش مهارت تعامل اجتماعی، تدوین رویکرد توجه به جرم نه مجرم، برنامه‌ریزی بلندمدت حل مسائل اجتماعی، برنامه مستندسازی و تدوین فیلم، محوریت شعار «مردم آگاه، پلیس آگاهی و مشارکت آگاهانه»، توسعه آگاهی در شناخت و تولید امنیت، برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت وزارت ارشاد در مطبوعات، برنامه آموزشی در لابلای حوادث و اخبار پلیسی، برنامه آموزش همگانی [کنترل خشم و ...]، تدوین راهبرد انتظامی «کاهش جرم فقط وظیفه پلیس نیست»، طرح شورای معتمدان پلیس، برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت نهادهای دولتی و مردمی، تدوین طرح پلیس محله، طرح پلیس افتخاری.

۲) نهادی، مانند برنامه اصلاحاتی در ساختار سازمان [تخصصی‌شدن بخش‌هایی از ساختار پلیس]، طراحی سامانه‌ها، بازطراحی ساختار [بازرسی، اجتماعی و پژوهشی]، طرح مراکز مشاوره و مددکاری

کلانتری‌ها، طرح تشکیل ساختار پلیس زن و آموزش بومی آن، طرح ساختار معاونت اجتماعی و فرهنگ شد آمد راهور، برنامه‌ریزی برای حضور استادان دانشگاه علوم انتظامی امین به‌منظور تشریح رویکرد، برنامه آموزش کارکنان پلیس، تشکیل پلیس پیشگیری، تشکیل ساختار اجتماعی ناجا، توجه به ساختار تخت، تغییر نگرش به مسئولیت عمل با مأمور صف، برنامه‌ریزی برای آموزش حل مسئله، توجه به اخلاق پلیس، تدوین شعارهای هفته ناجا، برنامه‌ریزی برای توسعه گفت‌وگوهای جامعه‌محوری در سطح سازمان، تهیه طرح آموزش پلیس‌های تخصصی، برنامه‌ریزی برای ایجاد شرکت‌های انتظام و تدوین نظام برون‌سپاری.

۳- ویژگی عملیاتی:

این ویژگی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجرایی پلیس در بستر جامعه می‌پردازد، که نمایانگر مشارکت پلیس و جامعه برای حل مسائل اجتماعی و انتظامی و پیشگیری و کشف جرائم است. این ویژگی آخرین لبه رویکرد جامعه‌محوری در مواجهه با مردم و پلیس در اجرای طرح‌ها و مشارکت‌هاست و شامل مؤلفه‌های زیر است:

۱) اجتماعی، مانند مشاوره انتظامی و خانوادگی در کلانتری، امکان تعامل دوسویه مردم و پلیس، ایجاد باور به همکاری پلیس و مردم، تعامل با نهادهای رسمی [شورای عالی امنیت ملی، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و ...]، آموزش قوانین راهنمایی و رانندگی، استفاده از ظرفیت رسانه و پویانمایی، توجه به حقوق شهروندی [زن پلیس فقط متهم زن را حمل کند]، همکاری و همراه‌سازی جامعه، استفاده از بستر بزرگ دانش‌آموزی، تعامل با وزارت آموزش و پرورش، مشارکت دانش‌آموزان در اجرای مأموریت، کنترل رفت‌وآمد خودروها توسط پلیس مدرسه، آموزش دانش‌آموزان در زمینه قوانین راهور، مشارکت مردم، ارتباط پلیس با مؤسسات مردم‌نهاد، ارتباط مستمر با مردم، استفاده از ظرفیت روحانیون، مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی در برقراری نظم و امنیت، ایجاد شبکه روابط مردم و پلیس، تعامل بین افراد و پلیس [دانش‌آموز]، مشخص شدن راه‌های ارتباطی، اعلام نیازمندی جامعه به پلیس، انتشار و دیده‌شدن نتایج کار، انجام مأموریت با کمک مردم، استفاده از قوه قهریه در زمانی که مردم مسئله‌ای را بپذیرند، آگاهی‌بخشی در پیش، حین و پس از آسیب، استفاده از ظرفیت جامعه و توانایی مردم، نهادهای مردم سلول‌های مشارکت پلیس می‌شوند، حضور پلیس در مدارس و مساجد و دانشگاه، ارتباط با نهادهای آموزشی، برقراری ارتباط با مردم برای تدوین اولویت‌ها، رابطه دوسویه مردم و پلیس، حضور پلیس در مراکز صنعتی و صنفی، ارتباط با مساجد، مدارس، استمرار مشارکت جامعه، استفاده از ظرفیت جامعه، مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی، استفاده از ظرفیت رسانه، اطلاع‌رسانی در حوزه نظم و امنیت، آموزش همگانی در امور انتظامی،

مشارکت همگانی در انجام امور انتظامی، آموزش به مال‌خر و مال‌باخته [در سرقت‌ها]، آموزش به مسافر و مسافربر شخصی، ارتباط پلیس با مخاطب ۸۰ میلیون نفری، آموزش استفاده‌کنندگان از ناوگان عمومی، مشارکت با مردم و نهادها، دریافت مشارکت برخی نهادها که وظیفه مشارکت ذاتی دارند [خودروساز و سازمان ثبت اسناد در جعل]، مشارکت همه در کاهش سرقت، مشارکت مردم در ایجاد نظم و امنیت، استفاده از ظرفیت ریش‌سفیدان، متنفذان و روحانیان، حضور در منازل کسانی که با هم اختلاف دارند، استفاده از ظرفیت محله‌ها، ملاقات و سخنرانی رؤسای کلانتری با مردم، حضور پلیس در مدارس و دانشگاه‌ها، حضور پلیس راهور در مدارس، مشارکت و همراهی مردم در مأموریت، آموزش رد شدن از عرض خیابان، همیاری در خط‌کشی عابر پیاده، آموزش همگانی، ایمنی [انتظامی] در ساخت‌وسازها، کنترل مردم بر نظم و امنیت محله، استفاده از ظرفیت ائمه جماعات، درگیرکردن همه در تأمین نظم و امنیت، استفاده از شورایاران محلات، استفاده از ظرفیت سرای محله، برگزاری همایش پلیس با اصناف، برگزاری نشست‌های پلیس و محلات، گشت مشترک مردم و پلیس، گفتمان رسانه‌ای این رویکرد، استفاده و تعامل با همه سطوح جامعه و ایجاد بستر لازم برای زنگ‌زدن به پلیس.

۲) نهادی، مانند: استخدام ماموران منطبق با رویکرد جامعه‌محوری، آموزش ماموران منطبق با رویکرد جامعه‌محوری، اجرای طرح برون‌سپاری برخی از وظایف پلیس، خصوصی‌سازی برخی از وظایف قابل واگذاری به بخش خصوصی، ایجاد ساختار سازمانی معاونت اجتماعی در ناجا، ایجاد ساختار سازمانی اجتماعی در پلیس‌های تخصصی، تولید محتوای نمایشی، ایجاد ساختار پیشگیری انتظامی، ایجاد واحد مشاوره و مددکاری در کلانتری‌ها، تشکیل مجمع خیرین امنیت ساز، تشکیل مرکز رصد فضای مجازی، تشکیل مرکز افکارسنجی اجتماعی، ایجاد پلیس افتخاری و حضور مشاور انتظامی در مدارس و مساجد.

پرسش سوم: تحلیل پیامدهای رویکرد جامعه‌محور پلیس در توسعه سازمان ناجا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجا چگونه است؟

در تحلیل محتوای داده‌ها و اطلاعات، ۲۵ درصد از مجموع شناسه‌ها به تعداد ۹۹ شناسه به پرسش سوم اختصاص یافته است. با مقوله‌بندی شناسه‌های مربوط مشخص شد که پیامدهای رویکرد پلیس جامعه‌محور در ناجا دارای ۲ مؤلفه اصلی و تعداد ۱۶ زیرمؤلفه به شرح جدول ۴ دسته‌بندی شده است.

جدول ۴. تحلیل پیامدهای رویکرد پلیس جامعه‌محور در توسعه ناجا

مفهوم	مؤلفه	زیرمؤلفه
پیامدهای رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا	«پیامدهای اجتماعی» در توسعه ناجا	احساس امنیت اجتماعی
		مشارکت اجتماعی
		آموزش و آگاهی همگانی
		پیشگیری اجتماعی
		پیشگیری انتظامی
		اعتماد اجتماعی
		کاهش هزینه‌های قضایی
	«پیامدهای سازمانی» در توسعه ناجا	رضایت ذی‌نفعان
		هوشمندی سازمان
		رسیدگی به مأموریت‌های اصلی
		اقتدار و محبوبیت پلیس
		کاهش بار انتظامی سازمان
		افزایش توان مطالبه‌گری سازمان
		کاهش پرونده‌های جرایم
تعالی رفتار کارکنان پلیس		
مشارکت‌پذیری سازمان		

بحث و تحلیل نتایج پرسش سوم: «پیامد» عبارت است از تغییراتی که در وضعیت و شرایط محیطی و فرامحیطی سازمانی در نتیجه به‌کارگیری روش یا استفاده از برنامه خاصی ایجاد می‌شود. بنابراین پرسش سوم این پژوهش به بررسی تغییرات خاصی پرداخته است که به موجب به‌کارگیری رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه سازمان ناجا در محیط درونی سازمان و جامعه رخ داده است. با تحلیل محتوای اطلاعات و داده‌ها، پیامد رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا مشخص شده است و این پیامدها به شرح ذیل هستند:

۱. پیامدهای توسعه عرصه اجتماعی

این پیامد شامل مؤلفه‌های زیر است:

- احساس امنیت اجتماعی؛
- مشارکت اجتماعی؛
- آموزش و آگاهی همگانی؛
- پیشگیری اجتماعی؛
- پیشگیری انتظامی؛
- اعتماد اجتماعی؛
- کاهش هزینه‌های قضایی؛
- رضایت ذی‌نفعان.

۲. پیامدهای توسعه عرصه سازمانی

این پیامد شامل مؤلفه‌های زیر است:

- هوشمندی سازمان؛
- اقتدار و محبوبیت پلیس؛
- کاهش بار انتظامی سازمان؛
- افزایش توان مطالبه‌گری سازمان؛
- کاهش پرونده‌های جرایم؛
- تعالی رفتار کارکنان پلیس؛
- مشارکت‌پذیری سازمان.

تدوین الگوی مفهومی جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا

الگوی مفهومی جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا در شکل ۱ نمایان شده است.



شکل ۱. الگوی تحلیل مفهومی رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا

همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا از زمینه‌هایی برای شکل‌گیری برخوردار است که این زمینه‌ها عبارت‌اند از: ۱. اجتماعی، ۲. اقتصادی، ۳. اندیشه‌ای - گفتمانی و ۴. قانونی - مدیریتی. این چهار زمینه، زمینه‌های شناسایی و کشف‌شده از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران ناجاست. همچنین دارای ویژگی‌هایی است که در سه بُعد ۱. شناختی، ۲. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و ۳. عملیاتی به صورت نظام‌مند و به‌هم‌وابسته، نمایان شده است و به صورت نظام‌مند و زنجیروار فرایند جامعه‌محوری در ناجا را تبیین می‌کنند. این رویکرد پیامدهایی داشته است که در توسعه ناجا قابل‌فهم هستند؛ این پیامدها در دو عرصه (۱) پیامدهای اجتماعی و (۲) پیامدهای سازمانی دسته‌بندی می‌شوند که در شکل ۱ نمایش داده شده‌اند.

برای تأیید محتوای الگوی مفهومی، الگو در نشست‌های جداگانه‌ای برای تعداد ۱۲ نفر از اعضای نمونه آماری ارائه شد و مقدار محاسبه «نسبت روایی محتوایی»^{۱۵} (CVR) و «شاخص روایی محتوایی»^{۱۶} (CVI) مفاهیم، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های شکل گرفته در راستای معتبر کردن، تجربه و ادراک جامعه‌محوری پلیس در ناجا (الگوی مفهومی) به شرح جدول ۵ به‌دست آمد.

جدول ۵. مقدار CVR و CVI مفاهیم، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها برای ۱۲ نفر از نمونه آماری

مفهوم	مؤلفه	زیرمؤلفه	مقدار CVR	مقدار CVI	
زمینه‌ها	اجتماعی	تغییرات اجتماعی	۰.۸۳	۰.۹۲	
		نیازهای اجتماعی	۰.۶۶	۰.۹۲	
		ویژگی اجتماعی پلیس	۰.۶۶	۰.۹۲	
	اقتصادی	درون‌سازمانی	۰.۸۳	۰.۹۲	
		برون‌سازمانی	۰.۸۳	۰.۹۲	
	اندیشه‌ای و گفتمانی	انقلاب اسلامی و رهبری	تاریخی	۰.۶۶	۰.۹۲
			جهانی	۰.۸۳	۰.۱۰۰
			علمی	۰.۶۶	۰.۹۲

15. Content Validity Ratio

16. Content Validity Index

مقدار CVI	مقدار CVR	زیر مؤلفه	مؤلفه	مفهوم	
۰.۸۳	۰.۶۶	قانونی	مدیریتی و قانونی	ویژگی‌ها	
۰.۹۲	۰.۸۳	فرماندهان و مدیران			
۰.۸۳	۰.۶۶	نهادی	شناختی		
۰.۸۳	۰.۶۶	اجتماعی			
۰.۹۲	۰.۶۶	نهادی	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی		
۰.۸۳	۰.۶۶	اجتماعی			
۰.۱۰۰	۰.۸۳	نهادی	عملیاتی		
۰.۹۲	۰.۶۶	اجتماعی			
۰.۹۲	۰.۸۳	احساس امنیت اجتماعی	پیامدهای اجتماعی		توسعه ناجا
۰.۸۳	۰.۸۳	مشارکت اجتماعی			
۰.۹۲	۰.۸۳	آموزش و آگاهی همگانی			
۰.۸۳	۰.۶۶	پیشگیری اجتماعی			
۰.۸۳	۰.۶۶	پیشگیری انتظامی			
۰.۹۲	۰.۶۶	اعتماد اجتماعی			
۰.۸۳	۰.۶۶	کاهش هزینه‌های قضایی			
۰.۸۳	۰.۸۳	رضایت ذی‌نفعان			
۰.۸۳	۰.۸۳	هوشمندی سازمان		پیامدهای سازمانی	
۰.۹۲	۰.۶۶	رسیدگی به مأموریت‌های اصلی			
۰.۸۳	۰.۶۶	اقتدار و محبوبیت پلیس			
۰.۸۳	۰.۸۳	کاهش بار انتظامی سازمان			
۰.۹۲	۰.۶۶	افزایش توان مطالبه‌گری سازمان			
۰.۸۳	۰.۸۳	کاهش پرونده‌های جرایم			
۰.۹۲	۰.۸۳	تعالی رفتار کارکنان پلیس			
۰.۸۳	۰.۸۳	مشارکت‌پذیری سازمان			

در صورتی که تعداد افراد متخصص در سنجش نسبت روایی محتوایی (CVR) ۱۲ نفر باشد، باید مقدار آن بزرگتر از ۰.۵۶ باشد تا اعتبار گویه تأیید شود. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار نسبت روایی محتوایی در همه گویه‌ها بزرگتر از ۰.۵۶ است. بنابراین نسبت روایی محتوایی سازه مورد تأیید است و مقدار شاخص روایی محتوایی (CVI) باید بزرگتر از ۰.۷۹ باشد تا اعتبار گویه تأیید شود. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار روایی محتوایی در همه گویه‌ها بزرگتر از ۰.۷۹ است. بنابراین روایی محتوایی سازه مفهومی مورد تأیید است.

تدوین گزارهای علمی پژوهش

از پژوهش کنونی، گزاره‌های علمی ذیل استخراج شده است:

گزاره علمی در این پژوهش، عبارت است از شناسایی و تعیین روابط منطقی بین مفاهیمی که از نتایج بررسی علمی و نظام‌مند تحلیل رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا به‌دست آمده است.

گزاره اول: رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا دارای زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، اندیشه‌ای-

گفتمانی و مدیریتی- قانونی است. جامعه‌محوری رویکردی است که بستر آن در نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران وجود داشته و با آشنایی سازمان و مدیران پلیس با گفتمان جهانی و علمی آن، پذیرش آن تسهیل شده است.

گزاره دوم: تغییرات اجتماعی در جامعه ایران دهه ۷۰، نیازهای مدنی جامعه به خدمات انتظامی بیشتر، توسعه سیاسی و افزایش تحصیلات دانشگاهی مهمترین عوامل اجتماعی در گرایش به جامعه‌محوری پلیس هستند.

گزاره سوم: موضوع اقتصاد کشور و وضعیت اقتصادی درون سازمان در گرایش ناجا به سمت رویکرد جامعه‌محوری مؤثر بوده است.

گزاره چهارم: اقتصاد درون‌سازمانی یکی از زمینه‌های گرایش ناجا به سمت جامعه‌محوری است. این رویکرد به سازمان کمک می‌کند که مقداری از هزینه‌ها و اعتبارات مالی پلیس از طریق برون‌سپاری، ارائه خدمات انتظامی و مشارکت مردمی، تأمین کند.

گزاره پنجم: وضعیت اقتصاد کشور یکی از زمینه‌های گرایش ناجا به سمت جامعه‌محوری است. هزینه پایین دولت برای پلیس و امنیت، وضعیت اقتصادی نامناسب کشور در ارتکاب برخی از جرایم و

عملکرد پلیس و تأثیر کُزارکردی نظام اقتصادی کشور بر نظام امنیتی و نظم اجتماعی، عواملی هستند که ناجا برای مدیریت آنها به سمت مسئله‌محوری، مشارکت‌پذیری و سایر شاخص‌های رویکرد جامعه‌محوی حرکت کرده است.

گزاره ششم: یکی از مهمترین زمینه‌های شکل‌گیری رویکرد جامعه‌محوری در ناجا، گفتمان و اندیشه‌های اسلامی، انقلابی، علمی، جهانی و همچنین تاریخی بوده است.

گزاره هفتم: پیروزی انقلاب اسلامی در ایجاد رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا مؤثر بوده است. تشکیل کمیته انقلاب برای مشارکت در انتظام اجتماعی با کمک مردم و نیروهای داوطلب، مردمی‌شدن برخی از امور انتظامی در اوایل انقلاب و حضور آن اندیشه در یگان‌های انتظامی به‌عنوان تجربه‌ای مناسب در درون سازمان ناجا پس از ادغام نیروی انتظامی و شکل‌گیری سازمان جدید ناجا در سال ۱۳۷۰، در ایجاد رویکرد جامعه‌محوری نقش داشته‌اند.

گزاره هشتم: اندیشه و تدابیر بنیان‌گذار و رهبر انقلاب اسلامی یکی از زمینه‌های ایجاد رویکرد جامعه‌محوری در پلیس بوده است. در اندیشه، تدابیر و سخنرانی‌های بینانگذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران به صورت روشن و صریح از مشارکت و توجه به مردم و جامعه توسط نیروی انتظامی به کرات اشاره شده است؛ برای نمونه، «امنیت متعلق به همه است؛ نیروی انتظامی هم متعلق به همه است یا نیروی انتظامی نیروی مسلح اجتماعی است» و «بار مقتدر و مهربان» را رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به نیروی انتظامی مطرح کرده‌اند.

گزاره نهم: پیشرفت علمی کشور و به‌تبع آن ناجا به‌عنوان یک گفتمان در پذیرش و توسعه رویکرد جامعه‌محوری در ناجا اثرگذار بوده است. آشنایی مجامع علمی کشور و دانشگاه علوم انتظامی امین با ادبیات جامعه‌محوری و مطالعه وضعیت این رویکرد در سایر نقاط جهان به توسعه و پذیرش آن در ناجا کمک کرد. از طریق ترجمه کتاب‌ها، مقالات علمی و تجربیات سایر کشورها، بذره‌های رشد رویکرد جامعه‌محوری در ناجا با توجه به آمادگی و فراهم‌بودن سایر شرایط در ایران، کاشته شد.

گزاره دهم: قوانین و مقررات کشور یکی از زمینه‌های شکل‌گیری جامعه‌محوری در ناجا بوده است. قانون اساسی در فصل پنجم بر حق حاکمیت ملت تأکید کرده است و برنامه‌های توسعه کشور نیز به برون‌سپاری و خصوصی‌سازی برخی از وظایف سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی تأکید داشته است که اینها زمینه‌هایی برای پذیرش برخی از ویژگی‌های رویکرد جامعه‌محوری در ناجا هستند.

گزاره یازدهم: آشنایی با رویکردهای فرماندهی و مدیریت پلیس در سطح جهان و مطالعات تطبیقی نیز یکی از زمینه‌های گرایش ناجا به سمت جامعه‌محوری بوده است. فرماندهان ناجا در طی دو دهه از سال ۱۳۷۹ بر ایجاد گفتمان جامعه‌محوری و توسعه آن در ناجا تأثیر شگرفی داشتند و بدنه اجرایی نیز از این رویکرد استقبال کرده و اجرا کردند.

گزاره دوازدهم: ویژگی‌های رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا به سه بخش نظام‌مند و وابسته‌به‌هم («شناختی»، «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی» و «عملیاتی») تقسیم‌بندی شده است. به‌نحوی که در این رویکرد، این ویژگی‌ها به صورت سیستمی به‌هم‌وابسته‌اند و یک کل با عنوان رویکرد جامعه‌محوری پلیس در ناجا را شکل می‌دهند.

گزاره سیزدهم: ویژگی شناختی، اولین حلقه نظام شکل‌گیری رویکرد جامعه‌محوری در ناجاست. ویژگی شناختی، گام نخست در اجرای رویکرد جامعه‌محوری است. اطلاعات و داده‌ها از محیط اجتماعی دریافت می‌شود، براساس آنها وضعیت‌سنجی انجام می‌شود و شناختی از وضعیت اجتماعی و انتظامی جرایم حاصل می‌شود. این شناخت به‌عنوان منابع و دانش تصمیم‌سازی به مرحله بعدی یعنی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی سپرده می‌شود.

گزاره چهاردهم: ویژگی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دومین حلقه از نظام رویکرد جامعه‌محوری است. در این مرحله، ناجا سیاست‌های کلی این رویکرد را براساس شناخت اجتماعی و انتظامی مرحله پیشین و سایر اسناد اثرگذار طراحی و فعالیت‌های مربوط را تعریف می‌کند. در این مرحله طرح‌ها، ساختارها، نظام‌ها، فرایندها، نقش‌ها و اسناد موردنیاز برای پیاده‌سازی رویکرد جامعه‌محوری تهیه و تدوین می‌شود.

گزاره پانزدهم: ویژگی عملیاتی، سومین حلقه از نظام رویکرد جامعه‌محوری است که اجرای این رویکرد را در محیط اجتماعی به نمایش می‌گذارد. در این مرحله همه طرح‌ها و برنامه‌ها در محیط اجرایی سازمان و جامعه پیاده‌سازی می‌شود. این مرحله آخرین مرحله در اجرای رویکرد جامعه‌محور است. تغییرات ساختاری، فرایندی، منابع انسانی و سامانه‌ای در درون سازمان براساس برنامه‌ریزی پیشین ایجاد می‌شود. راهبردها و راه کارهای تعاملی و مشارکتی اجتماعی در راستای اهداف ارزیابی تعیین شده بین پلیس و جامعه اجرایی می‌شود.

گزاره شانزدهم: اجرای رویکرد جامعه‌محوری پلیس در توسعه ناجا از طریق پیامدهای عرصه اجتماعی و عرصه سازمانی درک‌پذیر است.

گزاره هفدهم: پیامدهای اجتماعی رویکرد جامعه‌محوری در توسعه ناجا عبارت‌اند از: احساس امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آموزش و آگاهی همگانی، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری انتظامی، اعتماد اجتماعی، کاهش هزینه‌های قضایی برای مردم (قضازدایی) و رضایت ذی‌نفعان.

گزاره هیجدهم: پیامدهای سازمانی رویکرد جامعه‌محوری در توسعه ناجا عبارت‌اند از: هوشمندی سازمان، تمرکز پلیس بر مأموریت‌های اصلی، اقتدار و محبوبیت پلیس، کاهش بار انتظامی سازمان، افزایش توان مطالبه‌گری سازمان، کاهش پرونده‌های جرایم، تعالی رفتار کارکنان پلیس و مشارکت‌پذیری سازمان.

منابع:

منابع فارسی

- پیک، کندجی (۱۳۹۸). دانشنامه پلیس جامعه‌محور؛ پلیس مسئله‌محور. ترجمه: مهدی سرابی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی.
- خلیلی اردکانی، محمدعلی، محمد رضایی، علی رحیمی و حسین یوسف‌وند (۱۳۹۴). «ارزیابی اجرای رویکرد پلیس جامعه‌محور در ایران (مقایسه تطبیقی اجرای رویکرد جامعه‌محور در پلیس ایران و آمریکا)». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. سال دهم، شماره اول. صص ۱۵۴-۱۲۷.
- رستگار، علی صادق رضایی (۱۳۹۱). «آینده پژوهی چالش‌های سازمانی فراروی پلیس متأثر از جهانی‌شدن». فصلنامه دانش انتظامی. سال پانزدهم، شماره چهارم. صص ۱۰۶-۸۰.
- زارع مهدوی، قادر، صمد عباسی و حمیدرضا میرزایی (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی جایگاه پلیس در عصر جهانی‌شدن». فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس. سال ششم، ش ۲۴.
- عامری، محمدعلی (۱۳۹۵). «ارائه الگوی مطلوب پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد پلیس جامعه‌محور». فصلنامه انتظام اجتماعی. سال هشتم، ش ۲.
- قصری، محمد، محمد بازرگان و بهرام نوروزی (۱۳۹۲). «طراحی نظام پلیس جامعه‌محور با تأکید بر پیشگیری از جرم». پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. سال ششم، شماره دوم. صص ۶۰-۳۳.
- قهرمانی، علی‌اکبر و سیدحسین ابطحی (۱۳۸۹). «طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. سال پنجم، شماره اول.
- قهرمانی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد پلیس جامعه‌محور». پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. سال ششم، شماره دوم.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۵). کیفی‌پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی. تهران: نشر فوژان.
- وروائی، اکبر (۱۳۸۴). پلیس جامعه‌محور «مطالعه تطبیقی شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی». تهران: سازمان عقیدتی-سیاسی ناجا.

منابع لاتین

- Adams, R. E., Rohe, W. M., Arcuryc, T. A. (2005). *Awareness of community oriented policing and neighborhood perceptions in five small to midsize cities*. Journal of Criminal Justice. 33, 43– 54.
- Bowden, A. Johan (2000), *the nature of the phenomenographic research*, in Bowden, A. Johan and Eleanor Walsh (edited) (2000) *phenomenography*, Qualitative Research Methods series, Mrlbourne: PMIT University Press.
- Bowden, A. Johan (2005), *Reflektions on the phenomenographic team research process*, in Bowden, A. Johan and Green, Pam (edited) (2005) *Doing deve;opmental phenomenography*, Qualitative Research Methods series, Mrlbourne: PMIT University Press.
- Kenneth J. Peak (2013), *Encyclopedia of community policing and problem solving*, SAGA publications, Inc.
- Scheider, Matthew c. Rowell, Tawandr and Bezdikian, Veh (2003). *The impact of citizen perceptions of community policing on fear of crime: findings from twelve cities*. POLICE QUARTERLY Vol. 6 No. 4, December 2003 363–386.
- Skogan, G. Wesely (2011). *Quasi_ experimental Research on Community Policing In” David Gadd (Ed). The Sage Handbook on Criminological Research Methods*. London: Sage, 2011. PAGE PROOFS_only small changes required.